

شهادت کذب در نظام‌های کیفری ایران، انگلستان و ویلز

امیر اعتمادی*

مهران زالی‌پور مداب**

DOI: 10.22096/law.2022.140181.1812

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۳]

چکیده

ادای گواهی، نقشی مهم در اثبات جرائم در نظام‌های کیفری مختلف ایفا می‌کند؛ ولی اعتبار این دلیل اثبات نزد مراجع قضایی بستگی به میزان پایبندی اعضای جوامع به اصول دینی/اخلاقی، به‌ویژه راست‌گویی دارد. براین اساس، دست‌گاه عدالت کیفری باید در راستای دادرسی عادلانه، سازوکارهای مقابله با شهادت کذب را به کار گیرد. در نظام کیفری ایران، اگرچه شهادت کذب، به‌عنوان جرمی تعزیری پیش‌بینی گردیده، قلمرو آن به ادای گواهی دروغ نزد مقامات رسمی دادگاه محدود شده است و تفکیکی بین حالت‌هایی که شهادت کذب در حکم دادگاه تأثیرگذار باشد یا نباشد، یا اینکه شاهد با ادای گواهی دروغ منفعت مالی کسب کند یا نکند، نشده است؛ ولی در نظام کیفری انگلستان و ویلز، شهادت دروغ اصولاً مستلزم این است که گواه مبادرت به اظهار کذبی کند که در رسیدگی قضایی اساسی است؛ رویکردی که برخی اختلاف‌ها را در آرای دادگاه‌های انگلستان و ویلز از حیث لزوم تأثیرگذاری اظهار موردنظر در سرنوشت پرونده دامن زده است. بنابراین، این نوشتار با روشی تطبیقی-مقایسه‌ای درصدد آشکارسازی جنبه‌های مثبت و منفی نظام‌های حقوقی گفته‌شده است و از این رهگذر، راهکارهایی نظیر تشدید مجازات تعزیری شهادت کذب در صورت تأثیرگذاری بر رأی مرجع قضایی را به قانون‌گذار ایرانی پیشنهاد بدهد.

واژگان کلیدی: شاهد؛ اظهار دروغ؛ گواهی؛ شهادت کذب.

* عضو مدعو گروه حقوق جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Am.etemadi@gmail.com

Email: M.zalipour@alumni.ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران؛ بایلسر، ایران.



۱. مقدمه

ادله اثبات در امور کیفری، نقشی مهم در فرایند یک دادرسی عادلانه دارند؛ به طوری که در صورت نبود دلایل کافی، دعوای کیفری به سرانجام نمی‌رسد و صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت از سوی دادرها و محاکم مؤید این ادعاست. در این میان، شهادت شاهد،^۱ به عنوان یکی از ادله اثبات جرم در نظام‌های کیفری ایران، انگلستان و ویلز^۲ ارزش قضایی زیادی دارد، به ویژه از آن رو که گفته شده معیار در شهادت، علم جزمی است؛ به این معنا که شخص وقتی می‌تواند به امری شهادت دهد که علم جزمی به مشهود^۳ داشته باشد. پس برای نمونه، اگر مشهود^۴ فعلی از افعال، مانند قتل یا سرقت باشد، تا شخص نبیند، نباید شهادت بدهد.^۳ در این راستا، در حقوق ایران، در جرائم مستوجب حد با توجه به موضوعیت داشتن ادله‌ی اثبات،^۴ قطع نظر از اینکه کمتر متهمی با اقرارش موجبات کیفردهی خویشتن را فراهم می‌کند، نقش اثباتی شهادت شاهدان، نقشی فعال و محسوس است تا آنجا که چه بسا اثبات جرائم حدی بدون این دلیل در دستگاه عدالت کیفری به مرز تعطیلی کشیده شود.

با وجود این، به رغم اینکه نقش اثباتی شهادت شاهد در نظام کیفری ایران که بر مبنای فقه امامیه استوار شده پُررنگ‌تر و مؤثرتر از نظام کیفری انگلستان و ویلز است، اعتبار آن در مراجع قضایی بستگی به میزان پایبندی اعضای جوامع به اصول دینی/اخلاقی، به ویژه راست‌گویی دارد. بنابراین، دستگاه عدالت کیفری باید در راستای دادرسی عادلانه، سازوکارهای مقابله با شهادت کذب^۵ را به کار گیرد. از سوی دیگر، کسی که ادای گواهی متوجه اوست، به نوعی با ادای گواهی راستین دین خود را به جامعه ادا می‌کند؛ چراکه با چنین شهادتی است که قضاوت صحیح، می‌تواند انجام گیرد. شاید به همین دلیل باشد که در ایران، امتناع شاهد از حضور نزد مرجع قضایی، حکم جلب او را در پی دارد.^۶ افزون بر این، شهادت کذب از معدود جرائمی است که مرجع قضایی

1. Witness testimony.

۲. باید یادآور شد که منابع حقوق کیفری انگلستان و ویلز مشترک هستند؛ لذا قوانین کیفری واحدی در این دو کشور جاری است (نول کراس، درآمدی بر حقوق کیفری و عدالت کیفری در انگلستان و ویلز، ترجمه امیر اعتمادی (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۸)، ۲۴-۲۹).

۳. محمد عبده بروجردی، کلیات حقوق اسلامی (تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۳)، ۲۴۵.

۴. البته، برخی حقوق‌دانان با استناد به آیه شریفه «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ؛ از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن»، لحاظ جنبه‌های عملی رسیدگی به دعوای و اهداف دادرسی کیفری اظهار داشته‌اند که باید برای اقرار، شهادت و قسامه نیز قائل به طریقت شد و آن‌ها را دلایلی منصوص برای دستیابی قاضی به اقتناع وجدانی تلقی کرد (محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۸)، ۴۲۹).

5. Perjury.

۶. تبصره (۱) ماده ۲۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲.

مكلف به تفهیم مکافات عمل به شاهد، پیش از وقوع آن شده است.^۱ در انگلستان و ویلز، «در مواردی که شاهد برای ادای گواهی احضار می‌شود، اگر وی بدون هیچ‌گونه عذر قانونی^۲ حضور نیابد، دادگاه قرار دستگیری^۳ صادر می‌کند؛ به طوری که شاهد بازداشت و در دادگاه معرفی می‌شود».^۴

براین اساس، پرسش‌های این نوشتار عبارت‌اند از: عناصر تشکیل‌شده‌ی جرم شهادت کذب در حقوق کیفری ایران، انگلستان و ویلز چه مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟ مجازات جرم یادشده در نظام‌های کیفری گفته‌شده چیست؟ در راستای پاسخ به این پرسش‌ها، پس از بررسی مفهوم و تاریخچه تقنینی شهادت کذب در نظام‌های کیفری گفته‌شده، عناصر تشکیل‌شده و مجازات این جرم در ایران، انگلستان و ویلز مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرند.

۲. مفهوم‌شناسی شهادت کذب

اصطلاح شهادت کذب از دو واژه «شهادت» و «کذب» تشکیل شده است. شهادت در لغت به معنای «گواهی دادن، بیان کردن آنچه به چشم دیده شده است در نزد حاکم و قاضی»^۵، و کذب به معنای «دروغ، دروغ گفتن» آمده است.^۶ در خصوص معنای اصطلاحی شهادت از «اخبار از واقعه‌ای به سود یکی از طرفین و به زیان دیگری که از سوی شخص ثالثی جز اصحاب دعوا بیان می‌شود»^۷ سخن گفته شده است. با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ قانون‌گذار ایرانی در ماده ۱۷۴ شهادت را چنین تعریف کرده است: «شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی به وقوع یا عدم وقوع جرم به وسیله متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضایی است». چنین تعریفی، تعریف به مصداق انگاشته شده است؛ به این معنا که یکی از مصادیق مشهود^۸ جرم است؛ گرچه قانون‌گذار با ذکر عبارت «هر امر دیگر» معنای عامی را اراده کرده است که شامل جرم و امور دیگر مانند بلوغ، عقل و عدالت می‌شود.^۹

۱. تبصره (۲) ماده ۱۰۲ و ماده ۲۰۹ از قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲.

2. Lawful excuse.

3. Arrest warrant.

۴. چارنجیت سینگ، سرآغازی بر ادله در انگلستان و ویلز، ترجمه امیر اعتمادی (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۷)، ۸۸-۸۹.

۵. حسن عمید، فرهنگ فارسی (تهران: انتشارات راه رشد، ۱۳۸۹)، ۷۱۳.

۶. عمید، فرهنگ فارسی، ۸۳۹.

۷. ناصر کاتوزیان، اثبات و دلیل اثبات (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵)، ۱۴/۲؛ عباس کریمی، ادله اثبات دعوا (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۶)، ۸۱.

۸. احمد حاجی ده‌آبادی، ادله اثبات کیفری در اسلام: مبانی و موارد تفکیک از ادله اثبات مدنی (تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، ۱۳۹۸)، ۳۲۱.

در فقه امامیه، بعضی از فقها بیان داشته‌اند که «شهادت عملی است که از آن، به اخبار از روی یقین تعبیر شده و شرعاً اخبار قطعی از حقی است که برای دیگری لازم، ثابت و محقق شده و این اخبار از سوی غیر حاکم است و مرجع در آن عرفی است که صلاحیت دارد مابین شهادت و اخبار فرق گذارد». ^۱ براین اساس، در خصوص معنای اصطلاحی شهادت کذب گفته شده است که «شهادت جاهل به مشهود^۲ به یا شهادت عالمی است که برخلاف علم خود گواهی دهد». ^۲ در انگلستان و ویلز، درباره مفهوم اصطلاحی شهادت کذب، از جرم ادای گواهی دروغین یا گواهی‌ای که شخص اعتقاد ندارد که حقیقت داشته باشد (حتی اگر در واقع، حقیقت باشد) سخن به میان آمده است. ^۳ وجه مشترک این تعریف‌ها آن است که هرگاه شخصی در مقام ادای گواهی، به کذب یا دروغ‌گویی مبادرت کند، عمل ارتكابی‌اش ممکن است ذیل عنوان شهادت کذب مطرح و مجازات شود.

۳. تاریخچه‌شناسی قانون‌گذاری شهادت کذب

در نظام کیفری ایران، شهادت کذب نخست در مواد ۲۱۵ تا ۲۱۹ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ جرم‌انگاری شد. بر اساس این مواد، شهادت کذب در امور جنایی، جنحه، خلاف، امور حقوقی و اداری برحسب اینکه گواهی دروغین مؤثر واقع می‌شد یا خیر، مجازاتی متفاوت داشت. پس از قانون یادشده و پیش از تصویب قانون تعزیرات ۱۳۷۵ اگرچه قانون‌گذار در برخی قوانین خاص به شهادت کذب پرداخته، اما از جرم‌انگاری این عمل ممنوعه در قانون تعزیرات ۱۳۶۲ غفلت کرده بود. بررسی مقررات مربوط به «قسم دروغ و افشای سر» در قانون اخیر مؤید این مطلب است، اما بعضی از قوانین خاص پیش‌گفته عبارت‌اند از:

- بر اساس بند (د) ماده ۲ قانون تخلفات جرائم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه ۱۳۷۰ شاهد دروغ‌گو که شهادت او در تنظیم دفتر ثبت کل وقایع یا وفات مؤثر واقع شود، به مجازات حبس یا جزای نقدی، یا هر دو مجازات محکوم می‌شود.

- مطابق با ماده ۶۰ قانون خدمت وظیفه عمومی ۱۳۶۳ (اصلاحی ۱۳۶۸) کسانی که به ارتکاب اعمالی، همچون شهادت کذب موجبات معافیت خود یا دیگران را از خدمت وظیفه عمومی فراهم سازند، به حبس تعزیری محکوم می‌شوند.

۱. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام (بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق)، ۴۱-۷.

۲. محمدجعفر جعفری لنگرودی، دایرةالمعارف علوم قضایی (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۳)، ۸۴۴-۲.

3. Jonathan Law, *A Dictionary of Law* (Oxford: Oxford University Press, 2015), 255.

شهادت کذب در نظام‌های کیفری ایران، انگلستان و ویلز / اعتمادی و زالی پور مداب ۲۷۱

- در ماده ۳۰ قانون اعسار ۱۳۱۳ مقرر شده بود که اگر پس از قبول اعسار ثابت شود که شاهدان قضیه عامداً شهادت دروغ کتبی یا شفاهی داده‌اند، به مجازات مذکور در قسمت اخیر ماده ۲۱۸ قانون مجازات عمومی محکوم خواهند شد؛

- ماده ۱۰ قانون تصدیق انحصار وراثت ۱۳۰۹ اشعار می‌دارد هر شاهدی که در موضوع تصدیق وراثت، برخلاف حقیقت شهادت دهد، برای شهادت دروغ تعقیب و به مجازاتی که برای این جرم مقرر است، محکوم خواهد شد.

بدیهی است که حکم این قوانین خاص قابل تعمیم به موضوع عام شهادت کذب شاهدان در مراجع قضایی نبود و لذا این شبهه ایجاد می‌شد که با تصویب قانون تعزیرات ۱۳۶۲ و نسخ قوانین پیشین، از جمله قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ که به طور صریح شهادت کذب را جرم‌انگاری کرده بود، موضوع شهادت کذب اساساً قابل مجازات بود یا خیر؟ در پاسخ به این شبهه برخی حقوق‌دانان به درستی اظهار داشته‌اند:

با توجه به اینکه در کتاب‌های فقهی شاهد زور قابل تعزیر دانسته شده و در آیات قرآنی و روایات اسلامی نیز شهادت کذب بسیار مذموم تلقی گردیده است و با امعان نظر به نظریه شماره ۵۷۳۶ مورخ ۱۳۶۱/۷/۱۷ شورای نگهبان و نظریه تکمیلی مورخ ۱۳۶۱/۹/۲۹ همان شورا در خصوص بلا مانع بودن اجرای آن دسته از قوانین پیش از انقلاب که مخالفت آن‌ها با موازین اسلامی اعلام نشده است، باید معتقد می‌بودیم که مواد ۲۱۵ تا ۲۱۹ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ در مورد جرم شهادت کذب همچنان به اعتبار خود باقی هستند.^۱

در حال، در صدر مواد ۲۱۵ تا ۲۱۹ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ موادی که به طور جداگانه در امور جنایی، جنحه، خلاف، امور حقوقی و اداری به شهادت کذب پرداخته بودند، محل ارتکاب جرم مشخص نشده بود. بنابراین، به موجب این قانون، جرم شهادت کذب می‌توانست در هر مرحله از تحقیقات مقدماتی، خارج از محکمه و یا حتی نزد افراد غیر رسمی صورت گیرد. افزون بر این، در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ شهادت کذب هم به عنوان جرمی مطلق و هم به مثابه جرمی مقید پیش‌بینی شده بود؛ به طوری که ممکن بود شاهد در امور جنایی، امور جنحه، امور حقوقی و امور اداری شهادت دروغ بدهد و در حکم محکمه مؤثر واقع شود (جرم مقید)، یا در امور جنایی، امور جنحه، امور خلاف، امور حقوقی و امور اداری فقط ادای شهادت کذب کند، بی‌آنکه در حکم محکمه تأثیری داشته باشد (جرم مطلق). در این میان، قانون‌گذار وقت میزان مجازات متفاوتی را

۱. حسین میرمحمد صادقی، جرائم علیه اموال و مالکیت (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۳)، ۵۹.

برای شهادت کذب در نظر گرفته بود؛ برای نمونه مجازات شهادت کذب در امور جنایی و امور جنحه که در حکم محکمه مؤثر واقع می‌شد، به ترتیب یک تا سه سال حبس تأدیبی و هشت روز تا یک سال حبس تأدیبی بود. شاهدی هم که در ازای دریافت وجه، غیر از شهادت در امور اداری، اقدام به ادای شهادت کذب می‌کرد، مجازات شدیدتری داشت.

از این گذشته، قانون‌گذار وقت در مواد ۲۱۵ تا ۲۱۹ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ به طور مطلق از «شهادت مؤثر واقع شود»، یاد می‌کرد. در این خصوص، دو برداشت امکان‌پذیر بود: یکم، شاهد ادای شهادت کذب می‌کرد و دادگاه به استناد شهادتش به صدور رأی مبادرت می‌کرد، قطع نظر از اینکه شهادت شاهد به نفع یا زیان کدامیک از طرفین دعوا تمام می‌شد. دوم، شاهد شهادت دروغ می‌داد و دادگاه به شهادت شاهد به دلایل مختلف، از جمله تعارض آن با ادله دیگر ترتیب اثر نمی‌داد یا ادله دیگری افزون بر شهادت شاهد در دسترس دادگاه بود و لذا بدون توجه به چنین شهادتی، به صدور حکم به استناد سایر ادله مبادرت می‌کرد. در مورد اخیر، هر چند شهادت کذب تأثیری در صدور رأی دادگاه نداشت، اما قانون‌گذار در راستای حفظ اعتبار شهادت تا این مرحله، صرف ادای شهادت کذب را جرم‌انگاری کرده بود. دیوان عالی کشور هم در حکم شماره ۳۹۰۱ مورخ ۱۳/۱۰/۱۳۳۴ مقرر داشته است: «عدم تأثیر گواهی دروغ در حکم دادگاه اعم از این است که گواهی در رسیدگی دادگاه مؤثر نشده، یا اینکه اصولاً در امر جزائی کسی گواهی دروغ بدهد، ولی به مرحله رسیدگی در دادگاه نرسد».

در نظام کیفری انگلستان و ویز، شهادت کذب نخست در دادگاه عالی (مدنی/جزایی)^۱ کیفر داده شد؛ دادگاهی که در سال ۱۶۱۳ م اعلام کرد که شهادت کذب، جرم قابل مجازاتی در کامن لاس است؛^۲ ولی قانون مدونی که در آغاز به جرم شهادت کذب و تطمیع به آن پرداخت، قانون شهادت کذب ۱۷۲۸ م^۳ بود که بعدها بر اساس قانون شهادت کذب ۱۹۱۱ م^۴ منسوخ شد.^۵ قانون اخیر که مشتمل بر ۱۹ ماده است و از برخی جرائم مشابه،^۶ نظیر اظهارات کذب به قید سوگند که در غیر از رسیدگی قضایی صورت گیرند^۷ نیز یاد کرده است، از اول ژانویه ۱۹۱۱ م لازم‌الاجرا شد. با وجود این،

1. Star Chamber.
2. Adrian Kean and Paul McKeown, *The Modern Law of Evidence* (Oxford: Oxford University Press, 2010), 224.
3. Perjury Act 1728.
4. Perjury Act 1911.
5. The Law Commission, Working Paper No. 33, *Perjury and Kindred Offences* (14 October 1970), 1.
6. Kindred offences.
7. False statements on oath made otherwise than in a judicial proceeding.

شهادت کذب در نظام‌های کیفری ایران، انگلستان و ویز / اعتمادی و زالی پور مداب ۲۷۳

قانون یادشده بر اساس بعضی از قوانین بعدی دستخوش اصلاحات مختلفی شده است. بسیاری از این تغییرات که به صورت حذف یا اصلاح برخی عبارات‌های قانون مورد بحث و یا تعدیل آن جلوه‌گر شده است، بنابر قانون عدالت کیفری ۱۹۴۸ م^۱ و قانون عدالت کیفری ۱۹۶۷ م^۲ اعمال شده‌اند، اما قوانینی دیگر، نظیر قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ م^۳ و قانون ویروس کرونا ۲۰۲۰ م^۴ نیز درخور ذکر است. برای نمونه، مطابق با بند (۱) ماده ۱ قانون عدالت کیفری ۱۹۴۸ م هیچ شخصی به موجب حکم دادگاه به حبس با اعمال شاقه^۵ محکوم نخواهد شد و هر قانونی که اختیار صدور چنین حکمی را به دادگاه داده باشد، به منزله اختیار صدور حکم به حبس^۶ برای مدت مقرر تفسیر می‌شود. بنابراین، اگرچه در متن قانون شهادت کذب ۱۹۱۱ م همچنان از حبس با اعمال شاقه یاد شده است، قاضی انگلیسی و ویزی باید آن را همان حبس تعبیر کند. از این گذشته، طبق فهرست شماره ۱ قانون ادله (رسیدگی در حوزه‌های قضایی دیگر) ۱۹۷۵ م^۷ یک ماده قانونی ذیل عنوان ماده ۱ الف^۸ به قانون شهادت کذب ۱۹۱۱ م الحاق شد؛ ماده قانونی‌ای که به اظهار کذب بدون سوگند^۹ پرداخته و برای آن مجازات تعیین کرده است. بنابراین، قانون اخیر هم‌اکنون از ۲۰ ماده قانونی تشکیل شده است.

۴. عنصر قانونی شهادت کذب^{۱۰}

هم‌اکنون، در حقوق کیفری ایران، عنصر قانونی جرم شهادت کذب در ماده ۶۵۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ آمده است: «هرکس در دادگاه، نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد، به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. تبصره: مجازات گفته‌شده در این ماده، افزون بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است».

این ماده می‌تواند مبنای تحلیل عناصر مادی و روانی شهادت کذب و مجازات آن در ایران قرار گیرد، ولی در اینجا باید یادآور شد که اگرچه در قرآن کریم «کتمان شهادت» به‌طور صریح منع

1. Criminal Justice Act 1948.
2. Criminal Justice Act 1967.
3. Crime and Disorder Act 1998.
4. Coronavirus Act 2020.
5. Penal servitude.
6. Imprisonment.
7. Evidence (Proceedings in Other Jurisdictions) Act 1975.
8. Section 1A.
9. False unsworn statement.
10. Legal element of the perjury.

شده است،^۱ اما در حقوق ایران، مجازاتی برای این رفتار پیش‌بینی نشده و در واقع، کتمان شهادت جرم‌انگاری نشده است. قانون‌گذار ایرانی هم تنها در ماده ۲۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ از تکلیف بازپرس به تفهیم حرمت و مجازات کتمان شهادت سخن گفته است.

در مقابل، در حقوق کیفری انگلستان و ویلز، بند (۱) ماده ۱ قانون شهادت کذب ۱۹۱۱ مقرر می‌دارد:

چنانچه هر شخصی که به‌طور قانونی، به‌عنوان شاهد یا به‌منزله مترجم، در رسیدگی قضایی سوگند داده شده، عمداً اظهاری کند که در رسیدگی مذکور اساسی است، اظهاری که می‌داند کذب است یا اعتقاد ندارد که حقیقت داشته باشد، مقصر به شهادت کذب خواهد بود و در صورت محکومیت به آن برحسب کیفرخواست، مشمول حبس با اعمال شاقه برای مدتی که متجاوز از هفت سال نیست، یا جزای نقدی یا هر دو را چنین حبس با اعمال شاقه‌های و جزای نقدی است.

باید یادآور شد که قانون شهادت کذب ۱۹۱۱ م تنها به جرم شهادت کذب نمی‌پردازد، بلکه همان‌طور که در آغاز متن این قانون اعلام شده است، قانون گفته‌شده، قانونی برای ادغام و ساده‌سازی قوانین مرتبط با شهادت کذب و جرائم مشابه^۲ است. براین اساس، در تحلیل جرم شهادت کذب در انگلستان و ویلز به مناسبت از برخی جرائم مرتبط یاد می‌شود.

۵. عنصر مادی شهادت کذب^۳

در نظام کیفری ایران، شهادت کذب جرمی مطلق است. اجزای عنصر مادی جرائم مطلق هم کمتر از جرائم مقید هستند؛ چراکه در جرائم مطلق ضرورتی به احراز نتیجه‌ای مشخص نیست. با وجود این، از آنجاکه مطلق یا مقید بودن جرم شهادت کذب در نظام‌های کیفری انگلستان و ویلز تا حدی ابهام‌برانگیز از کار درآمده است، جزء نتیجه نیز به‌طور مستقل مورد بحث قرار می‌گیرد.

۵-۱. رفتار مجرمانه

در حقوق کیفری ایران، رفتار مجرمانه در شهادت کذب، «ادای گواهی دروغین» است. این رفتار با توجه به ماهیت جرم شهادت کذب تنها با رفتار ایجابی (فعل) و نه رفتار سلبی (ترک فعل) تصویرپذیر است. افزون بر این، کذب یا دروغ بودن گواهی اداشده ممکن است به‌عنوان یکی از شرایط لازم برای تحقق جرم شهادت کذب (به‌عنوان دومین جزء عنصر مادی جرم) در نظر گرفته

۱. خداوند متعال در قسمتی از آیه ۲۸۳ سوره بقره می‌فرماید: «... وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آتِمٌ قَلْبُهُ...»؛ ... و شهادت را کتمان نکنید و هرکس آن را کتمان کند، پس بی‌شک قلبش گناهکار است ...».

2. An Act to consolidate and simplify the law relating to perjury and kindred offences.

3. *Actus reus* of the perjury.

شهادت کذب در نظام‌های کیفری ایران، انگلستان و ویز / اعتمادی و زالی پورمداب ۲۷۵

شود. دیوان عالی کشور نیز در یکی از آرای وحدت رویه‌ی خود تأکید کرده که شرط تجویز اعاده دادرسی، به‌عنوان کذب شهادت شاهدانی که گواهی آنان مبنای حکم بوده است، ثبوت کذب بودن شهادت گواهان در دادگاه کیفری، به‌موجب حکم قطعی است.^۱

از رویکرد اخیر در برخی آرای دیگر شعب دیوان عالی نیز تبعیت شده است. در یک پرونده که وکیل متهم اعلام کرده است که شهادت شاهدان برخلاف واقع بوده و از دیوان عالی کشور تقاضای اعاده دادرسی کرده است، شعبه دیوان عالی کشور با استناد به رأی وحدت رویه بالا اعلام داشته است که شهادت کذب گواه باید در یک دادگاه صالح به اثبات برسد تا به‌عنوان جهت اعاده دادرسی برشمرده شود و براین اساس، درخواست مطرح‌شده را رد کرده است.^۲ مرجع یادشده در آرای دیگری هم اظهار داشته است که کذب بودن شهادت شاهدان برای تجویز اعاده دادرسی منوط به اثبات آن در دادگاه کیفری، به‌موجب حکم قطعی است.^۳ باوجوداین، به نظر می‌رسد که کذب بودن گواهی موردنظر به‌درستی نمی‌تواند از آن تفکیک شود و در نتیجه، روی هم‌رفته زیر عنوان رفتار مجرمانه درخور بررسی هستند. ناگفته پیداست که حتی اگر قائل به تفکیک ادای گواهی (به‌عنوان رفتار مجرمانه) از کذب بودن آن (به‌مثابه‌ی یکی از شرایط لازم برای تحقق جرم) شد، در مواردی که شاهد، اقدام به ادای گواهی «راستین» می‌کند، همچنان عنصر مادی جرم تحقق نمی‌یابد.

در حقوق کیفری انگلستان و ویز، به‌موجب بند (۱) ماده ۱ قانون شهادت کذب ۱۹۱۱ م، رفتار مجرمانه شهادت کذب عبارت است از «اظهار کذب». این اظهار کذب نیز تنها با رفتار ایجابی (فعل) متصور است، اما اطلاق عبارت قانون‌گذار انگلیسی و ویزی نشان می‌دهد که اظهار موردنظر لازم نیست که در قالب ادای گواهی شفاهی باشد، بلکه ممکن است به‌صورت شهادت‌نامه کذبی^۴ باشد که برای رسیدگی به مرجع قضایی ارائه می‌شود. در این راستا، باید یادآور شد که هرچند به‌طور کلی مرجع قضایی انگلیسی و ویزی «ممکن است بر اساس گواهی شاهد منفردی^۵ حکم صادر کند، یکی از استثناهای این قاعده مربوط به شهادت کذب می‌شود؛

۱. رأی وحدت رویه شماره ۳۷۰۰ مورخ ۱۳۳۷/۷/۶، هیئت عمومی دیوان عالی کشور.

۲. دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۹۴۰۰۹۷۷ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۶، شعبه ۹ دیوان عالی کشور؛ پژوهشگاه قوه قضاییه، مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عالی کشور (کیفری)، دی ۱۳۹۱ (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۳)، ۵۵ - ۵۶.

۳. دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۹۲۰۰۶۳۷ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۴، شعبه ۷ دیوان عالی کشور؛ پژوهشگاه قوه قضاییه، مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عالی کشور (کیفری)، بهمن ۱۳۹۱ (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۳)، ۵۱ - ۵۲؛ نیز دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۷۵۰۱۱۸۸ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۶، شعبه ۱۵ دیوان عالی کشور؛ پژوهشگاه قوه قضاییه، مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عالی کشور (کیفری)، اسفند ۱۳۹۱ (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۳)، ۴۲.

4. A false affidavit.

5. Evidence of a solitary witness.

به طوری که محکومیت به این جرم بر مبنای صرفاً گواهی یک شاهد درباره کذب بودن اظهارات مورد نظر^۱ امکان پذیر نیست.^۲ و^۳ البته، به موجب پرونده اوکانر [۱۹۸۰]،^۴ چنانچه متهم خودش به کذب بودن اظهاراتش اعتراف کند، هیچ لزومی به فراخوانی شاهدان دیگر برای اثبات این امر وجود ندارد.^۵

با این حال، مرتکب در برخی موارد ممکن است به واسطه اظهار «راستین»، مقصر به شهادت کذب شناخته شود؛ چراکه در یک تفسیر تحت اللفظی از ماده ۱ قانون بالا به نظر می رسد که متهم می تواند به دلیل اظهار محکوم به شهادت کذب شود که اعتقاد ندارد که حقیقت داشته باشد، اما در واقع حقیقت دارد. با پذیرش این تفسیر، اگر متهم شهادت داده باشد که واقعه ای در تاریخی معین رخ داده است و دادستان بتواند ثابت کند که متهم از اینکه واقعه مورد نظر روی داده یا خیر، کاملاً بی اطلاع است، این امر برای اثبات شهادت کذب او کفایت می کند، حتی اگر هیچ دلیلی وجود نداشته باشد که واقعه یاد شده در تاریخ مربوط رخ نداده است.^۶ دادگاه تجدیدنظر انگلستان و ویلز در پرونده رایدر (۱۹۸۶)^۷ به پذیرش این تفسیر تمایل نشان داده است.

۵-۲. شرایط لازم برای تحقق جرم

در ایران، شرایط لازم برای تحقق جرم شهادت کذب عبارت اند از اینکه شهادت دروغ «در دادگاه» و «نزد مقامات رسمی» ادا شود. در این خصوص، یک دیدگاه این است که «گواهی کذبی که در دادسرا و نزد بازپرس یا مقامات دیگر دادسرا ادا می شود، مشمول عنوان کیفری شهادت کذب نخواهد شد».^۸ به عبارت دیگر، شهادت خارج از دادگاه مشمول این ماده نیست؛ گرچه اطلاق واژه دادگاه شامل دادگاه های عمومی (کیفری یک و دو)، دادگاه انقلاب، دادگاه نظامی، دادگاه ویژه روحانیت و ... می شود؛ ولی در برگیرنده مراجعی که نام دادگاه به آنها اطلاق نمی شود، نخواهد بود،^۹ حتی در جرائمی که به طور مستقیم در دادگاه مطرح می شوند؛ از جمله جرائم تعزیری درجه

1. Falsity of the statement in question See also: s 13 of the Perjury Act 1911.

2. Raymond Emson, *Evidence*, (London: Macmillan Press Ltd., 1999), 293.

3. S 13 of the Perjury Act 1911.

4. *R v O'Connor* [1980] Crim LR 43 (CA).

5. Chris Taylor, *LawExpress: Evidence* (Harlow: Pearson Education Limited., 2017), 159.

6. Anthony Hooper and David Ormerod (Eds), *Blackstone's Criminal Practice 2013* (Oxford: Oxford University Press, 2012), 830.

7. *Rider* (1986) 83 Cr App R 207.

۸. رضا شکری و سیروس قادر، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی (تهران: نشر مهاجر، ۱۳۸۴)، ۷۳۵.

۹. عباس زراعت، شرح قانون مجازات اسلامی: بخش تعزیرات - ۲ (تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۸)، ۵۳۱-۵۳۲.

شهادت کذب در نظام‌های کیفری ایران، انگلستان و ویز / اعتمادی و زالی پور مداب ۲۷۷

۷ و ۸ به موجب ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ممکن است بتوان گفت که ادای شهادت کذب در مرحله تحقیقات مقدماتی از سوی دادگاه، به شرطی که وارد مرحله دادرسی نشده باشد، به معنای واقعی کلمه گواهی دروغ در دادگاه به شمار نمی‌آید؛ چراکه دادگاه مربوط به عنوان جانشین دادرسی عمل می‌کند.

دیدگاه دیگر آن است که قانون‌گذار ایرانی در ماده ۲۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تکلیف کرده است که بازپرس پیش از شروع به تحقیق، حرمت و مجازات شهادت دروغ را به شاهد تفهیم کند و یکی از دلایلی هم که مسیر تحقیقات مقدماتی را در دادرسی برای صدور قرار جلب به دادرسی و در پی آن کیفرخواست هموار می‌سازد، شهادت شاهد است. پس نباید به ظاهر ماده ۶۵۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ توجه کرد؛ چراکه این ماده زمانی تصویب شده است که دادرسی به موجب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۷۳ از نظام قضایی ایران حذف شده بودند و تحقیقات مقدماتی به وسیله قضاات دادگاه‌ها انجام می‌شد.

دیدگاه اخیر در رویه قضایی پذیرفته نشده است؛ به طوری که در یک پرونده که چند نفر در شعبه بازپرسی دادرسی مبادرت به شهادت کذب کرده‌اند، دادگاه نخستین اظهار داشته است که به صراحت ماده ۶۵۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ شهادت دروغ باید در دادگاه و نزد مقامات رسمی ادا شده باشد؛ درحالی که شهادت افراد یادشده در دادگاه نبوده و در دادرسی بوده است؛ بنابراین به لحاظ نبود عنصر قانونی، رأی بر براءة متهمان صادر می‌شود. این رأی دادگاه بدوی که از سوی دادگاه تجدیدنظر استان نیز تأیید شده،^۱ برحسب ظاهر بر مبنای تفسیر مضیق از ماده گفته شده استوار شده است. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در یکی از نظریه‌های مشورتی خود بیان داشته است که مفاد ماده ۶۵۰ قانون یادشده در صورتی قابلیت اجرا دارد که شهادت کذب در دادگاه ادا شود، نه در دادرسی.^۲

در حال، «مقامات رسمی» به مقاماتی گفته می‌شود که طبق مقررات جاری از صلاحیت استماع شهادت شاهد برخوردار باشند. براین اساس، این دیدگاه اداره حقوقی قوه قضاییه که اعلام داشته است: «با توجه به اطلاق و عموم ماده ۶۵۰ ق. م. ا. مقامات رسمی اختصاص به مقامات قضایی ندارد و لذا اگر کسی مثلاً در اداره ثبت احوال به دروغ شهادت دهد که فلان شخص صاحب

۱. دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۳۹۰۰۷۱۸ مورخ ۱۳۹۳/۶/۸، شعبه ۳۹ دادگاه تجدیدنظر استان؛ پژوهشگاه قوه قضاییه، مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری)، تابستان ۱۳۹۳ (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۶)، ۱۶۴ - ۱۶۵.

۲. نظریه مشورتی ۷/۷۶۲۹ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۱۴.

فرزندی به نام ... شده و این شهادت در صدور شناسنامه مورد شهادت اثرگذار باشد، مشمول ماده بالا خواهد بود)،^۱ و^۲ به دلایل زیر مورد انتقاد قرار می‌گیرد:

یکم، ماده ۶۵۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ به صراحت اِشعار می‌دارد که شهادت دروغ باید در دادگاه نزد مقامات رسمی ادا شود، نه در مراجع غیر قضایی، مانند اداره ثبت احوال. قانون‌گذار هم واژه «دادگاه» را پیش از مقامات رسمی در ماده یادشده آورده است و لذا نمی‌توان پذیرفت که «مقامات رسمی» شامل مقامات رسمی غیر قضایی هم می‌شود؛ چراکه در این صورت نه تنها از تفسیر موسع در مقررات کیفری استفاده شده، بلکه محدوده جرم شهادت کذب توسعه یافته است؛ به طوری که هرکس نزد یک مقام رسمی سخنی کذب در قالب شهادت بیان کند، ولو اینکه مرتبط با موضوعی بی‌اهمیت باشد، ممکن است با اتهام شهادت کذب روبرو شود! دوم، اگر قانون‌گذار درصدد توسعه شهادت کذب نزد مقامات رسمی غیر قضایی بود، می‌توانست بدون ذکر واژه «دادگاه»، تنها به جمله «نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد» بسنده کند. سوم، تأکید اداره حقوقی بر اینکه شهادت کذب در صدور شناسنامه مؤثر واقع شود نیز محل تأمل است؛ زیرا همان‌طور که در بحث از نتیجه شهادت کذب اشاره خواهد شد، قید مؤثر واقع شدن در ماده ۶۵۰ قانون یادشده وجود ندارد؛ بنابراین مؤثر واقع شدن یا نشدن شهادت کذب در اصل تحقق این جرم بی‌تأثیر است.

باید یادآور شد که در مقررات ایران، اگرچه شاهد در برخی موارد مکلف به حضور نزد مقام قضایی دانسته شده است؛ برای نمونه در جایی که طبق ماده ۳۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ کشف حقیقت و احقاق حق متوقف بر شهادت گواه بوده و یا جرم با امنیت و نظم عمومی مرتبط باشد، ادای شهادت در حقوق ایران الزامی نیست. البته چنانچه شاهد از سوی مقام قضایی (بازپرس یا قاضی دادگاه) احضار شود، ولی بی‌عذر موجه نزد این مقام حاضر نشود، ممکن است مطابق با مواد ۲۰۴ و ۳۲۰ قانون اخیر جلب گردد. با وجود این، ضمانت‌اجرای یادشده به دلیل بی‌توجهی شاهد به دستور مرجع قضایی برای حضور مقرر شده است و هرگاه به هر دلیلی امکان تحقیق از شاهد وجود نداشته باشد، باید فوری در خصوص آزادی شاهد مجلوب اقدام شود.^۳ بنابراین، شاهد حتی پس از جلب و انتقال به داسرا یا دادگاه تکلیفی به ادای شهادت ندارد. اصل قانون بودنی جرائم و مجازات‌ها مندرج در اصل ۳۶ قانون اساسی نیز حاکی از این است که امتناع از شهادت، جرم و کیفردانی نیست، حتی اجبار اشخاص به شهادت مطابق با اصل ۳۸ قانون

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۳۲۳۴ مورخ ۱۳۷۹/۹/۹.

۲. در این راستا، می‌توان از نظریه‌های شماره ۷/۲۹۱۵ مورخ ۱۳۸۴/۵/۱ و ۷/۵۴۶۸ مورخ ۱۳۸۴/۸/۲ اداره حقوقی قوه قضاییه نیز یاد کرد.

۳. نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۱۳۱۲ مورخ ۱۳۹۳/۶/۸ اداره حقوقی قوه قضاییه.

شهادت کذب در نظام‌های کیفری ایران، انگلستان و ویلز / اعتمادی و زالی پورمداب ۲۷۹

اساسی ممنوع است و متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. این امر، از اینکه شاهد به دلیل رهایی از تکلیف قانونی و ضمانت اجرای آن، ناگزیر گواهی کذب بدهد، جلوگیری می‌کند.^۱ در انگلستان و ویلز، به موجب قسمت ابتدایی بند (۱) ماده ۱ قانون شهادت کذب ۱۹۱۱ م، شرایط لازم برای تحقق جرم شهادت کذب از قرار ذیل هستند:

- مرتکب، لازم است به عنوان شاهد یا مترجم به طور قانونی سوگند داده شده باشد.

- اظهارات متهم باید در جریان رسیدگی قضایی باشد.

درباره شرط یکم باید یادآوری کرد که ماده ۱۶ قانون ادله ۱۸۵۱ م^۲ اعلام می‌دارد که قاضی دادگاه که از لحاظ قانونی اختیار استماع و بررسی گواهی را دارد، اجازه دارد شاهدی را که به طور قانونی فراخوانده شده است، سوگند بدهد. در این خصوص، قاعده اصلی این است که گواهی شاهدان باید به قید سوگند یا تصدیق شده باشد. «سوگند با کتاب مقدس برای شاهد یاد می‌شود، اما اغلب شاهد تصدیق می‌کند، نه به آن دلیل که کافر است، بلکه به این دلیل که اعتقاد دارد که استفاده از کتاب مقدس به این صورت نادرست است».^۳ چنین تصدیقی همچنین در مواردی جایگزین سوگند می‌شود که دادگاه آمادگی سوگند دادن برحسب مذهب شاهد را نداشته باشد؛ گرچه پیشنهادهایی نیز برای لغو سوگند مذهبی به طور کلی ارائه شده است، به ویژه از آن رو که در یک جامعه نامذهبی^۴ عجیب نیست که گواه با اتیان سوگند مذهبی مخالفت کند.^۵

افزون بر این، به موجب پرونده کلینگ (۱۸۶۸)،^۶ هرگاه متهم اهلیت ادای شهادت در رسیدگی‌ای که در آن ادعا می‌شود، مرتکب شهادت کذب شده است را نداشته باشد، محکومیت به دلیل جرم یادشده ناممکن است. براین اساس، شاهد یا مترجم می‌تواند به جای اتیان سوگند

۱. البته، رویکرد فقهای امامیه به تکلیف بودن ادای شهادت نزدیک تر است؛ گرچه در خصوص واجب عینی یا کفایی بودن ادای شهادت اختلاف نظر وجود دارد. در این راستا، گفته شده که بنابر قول مشهور، ادای شهادت با توانایی بر آن به طور اجماعی واجب کفایی است؛ خواه از شاهد درخواست شود خواه نشود؛ مگر اینکه شهادت دادن به ایجاد ضرری منجر شود که شخص مستحق آن نیست (اسدالله لطفی، مباحث حقوقی شرح لمعه (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۹)، ۳۷). افزون بر این، شهادت تبرعی در حق الله پذیرفته است؛ به این معنا که اگر کسی بی آنکه از وی درخواست شده باشد تا ادای گواهی کند، با پای خود به دادگاه بیاید و شهادت بدهد، پذیرفته می‌شود؛ ولی درباره شهادت تبرعی در حق الناس اختلاف نظر وجود دارد (برای مطالعه بیشتر، نک: حاجی ده‌آبادی، ادله اثبات کیفری در اسلام، ۴۵ - ۴۶).

2. Evidence Act 1851.

۳. سینگ، سرآغازی بر ادله در انگلستان و ویلز، ۹۳.

4. A secular society.

5. Jonathan Doak and Claire McGourlay, *Evidence in Context* (London: Routledge, 2012), 68.

6. Clegg (1868) 19 LT 47.

مبادرت به تصدیق رسمی^۱ کند، اعم از اینکه اتیان سوگند برخلاف باورهای مذهبی اش باشد یا خیر. بند (۲) ماده ۱۵ قانون شهادت کذب ۱۹۱۱ م هم مقرر می‌دارد که ارجاع‌ها به سوگند یا قسم در آن، در مواردی که شخصی به لحاظ قانونی مجاز به تصدیق باشد، شامل تصدیق‌ها نیز می‌شود. پس شاهدان یا مترجمانی که بدون سوگند یا تصدیق دروغ می‌گویند، در معرض اتهام شهادت کذب قرار نمی‌گیرند.

ناگفته نماند که در نظام‌های کیفری انگلستان و ویلز، «شاهد واجد اهلیت^۲ ملزم کردنی نیز هست؛ به این معنا که وی ممکن است موظف به ادای گواهی شود. شاهدانی که در ادای شهادت کوتاهی کنند، از انجام این کار استتکاف ورزند و یا از پاسخ دادن به پرسش‌ها در دادگاه امتناع نمایند، به دلیل اهانت به دادگاه محاکمه خواهند شد»^۳. از این رو، ممکن است شاهد تنها به دلیل رهایی از الزام گفته‌شده، مبادرت به ادای گواهی‌ای کند که دروغین است و در نتیجه، در معرض اتهام شهادت کذب قرار گیرد.

در خصوص شرط دوم باید تأکید کرد که اظهارات دروغی که متهم بیان می‌کند، لازم است در جریان «رسیدگی قضایی» صورت گرفته باشند. رسیدگی قضایی به موجب بند (۲) ماده ۱ قانون شهادت کذب ۱۹۱۱ م شامل رسیدگی نزد دادگاه، محکمه و یا هر شخصی می‌شود که به لحاظ قانونی اختیار استماع، دریافت و بررسی گواهی به قید سوگند را دارد. بنابراین، شهادت‌نامه کذب به قید سوگند در ارتباط با رسیدگی قضایی ممکن است شهادت دروغ به شمار آید؛ همان‌طور که گواهی کذب ادا شده نزد محکمه‌ای، چه بسا برابر با شهادت کذب باشد. البته کسی که اظهارات کذبی را به قید سوگند، ولی در غیر از جریان رسیدگی قضایی صورت می‌دهد، ممکن است مطابق با ماده ۲ قانون یادشده تعقیب‌شدنی باشد. ماده اخیر اشعار می‌دارد که هر شخصی که به لحاظ قانونی، ملزم یا مجاز به بیان هرگونه اظهاری به قید سوگند در راستای هر هدفی است، و با وجود اینکه به‌طور قانونی (در غیر از رسیدگی قضایی) سوگند داده شده است، به‌عمد اظهاری کند که در راستای هدف مذکور اساسی است، اظهاری که می‌داند کذب است یا اعتقاد ندارد که حقیقت داشته باشد، مقصر به جرم است.

در حال، مفهوم «رسیدگی قضایی» ممکن است به موارد دیگری هم تعمیم داده شود؛ برای نمونه به موجب ماده ۳۲ قانون عدالت کیفری ۱۹۸۸ م^۴ هر شخصی (غیر از متهم) که در خارج از

1. Solemn affirmation.
2. Competent witness.

۳. سینگ، سرآغازی بر ادله در انگلستان و ویلز، ۹۶.

4. Criminal Justice Act 1988.

شهادت کذب در نظام‌های کیفری ایران، انگلستان و ویلز / اعتمادی و زالی پورمداب ۲۸۱

بریتانیا باشد، می‌تواند در محاکمه کیفری در انگلستان و ویلز از طریق ارتباط تصویری زنده^۱ گواهی بدهد. در این صورت، با در نظر گرفتن بند (۵) ماده ۱ قانون شهادت کذب ۱۹۱۱ م، باید دانست که چنین گواهی‌ای به منزله شهادتی تلقی می‌شود که در محاکمه مورد نظر ادا شده است. مطابق با قسمت (الف) بند (۱) ماده ۱۱ قانون جوامع اروپایی ۱۹۷۲ م^۲ نیز تمامی مقرره‌های مربوط از قانون شهادت کذب ۱۹۱۱ م در خصوص اظهاراتی که به قید سوگند نزد دادگاه اروپایی عدالت،^۳ یا هر دادگاه وابسته به آن بیان می‌شود، اعمال می‌گردند، اعم از اینکه شخص مسئول تبعه بریتانیا باشد یا خیر. بنابراین، روشن می‌شود که هرگاه شاهد در چنین موقعیت‌های مبادرت به شهادت دروغ کند، همچنان ممکن است به دلیل ادای گواهی کذب در جریان رسیدگی قضایی تعقیب و محاکمه شود.

۵-۳. نتیجه

از لحاظ نتیجه، در حقوق ایران، مفاد متن ماده ۶۵۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ حاکی از این است که شهادت کذب از جرائم مطلق به شمار می‌آید؛ زیرا صرف ادای شهادت کذب در دادگاه و نزد مقامات رسمی، بی‌آنکه لازم باشد مقام رسیدگی‌کننده به آن ترتیب اثر بدهد، جرم تام و قابل مجازات شناخته شده است. در این راستا، اظهار شده است که «شهادت دروغ اعم از اینکه در حکم محکمه مؤثر واقع شود یا نه، جرم شناخته شده است. نهایت آنکه، در صورت عدم تأثیر موجب مجازات خفیف‌تری خواهد بود».^۴ به عبارت دیگر، همان‌طور که در بحث از مجازات شهادت کذب اشاره خواهد شد، در مواردی که شهادت کذب تأثیرگذار نباشد، دادگاه رسیدگی‌کننده تنها به یکی از مجازات‌های حبس یا جزای نقدی تعزیری مندرج در متن ماده یادشده حکم صادر می‌کند؛ ولی در جایی که مؤثر واقع شود، طبق تبصره همان ماده، مجازات حدی، قصاص و یا دیه هم مورد حکم قرار می‌گیرد. بدیهی است که تفکیک اخیر، ارتباطی با اصل تحقق شهادت کذب و مطلق بودن این جرم ندارد.

در حقوق انگلستان و ویلز، بند (۱) ماده ۱ قانون شهادت کذب ۱۹۱۱ م از اظهاری یاد می‌کند که در رسیدگی قضایی «اساسی»^۵ باشد. این اصطلاح در بند گفته شده که به معنای «مهم، درخور توجه و چیزی است که اهمیت دارد»،^۶ می‌تواند این برداشت را ایجاد کند که اظهار کذب شاهد یا مترجم

1. Live television link.

2. European Communities Act 1972.

3. European Court of Justice.

۴. حکم شماره ۱۰۵۹ محکمه عالی انتظامی، مورخ ۱۳۱۱/۲/۱۸.

5. Material.

6. Hooper and Ormerod (Eds), *Blackstone's Criminal Practice 2013*, 829.

در جریان رسیدگی قضایی لازم است مؤثر واقع شود و به عبارت دیگر، شهادت کذب جرمی مقید به شمار می‌آید. با وجود این، دادگاه‌های انگلستان و ویلز برداشت‌هایی گوناگون از اصطلاح مورد بحث داشته‌اند که بر اساس آن‌ها ممکن است گفته شود که شهادت کذب در این نظام کیفری هم جرمی مطلق^۱ انگاشته می‌شود. در این راستا، به موجب پرونده میلوارد [۱۹۸۵]،^۲ کذب بودن اظهارات متهم لازم نیست تعیین‌کننده نتیجه پرونده باشد؛ کافی است که دروغ‌های متهم مانع از دنبال کردن مسیر معینی از پرسش‌ها از سوی طرف دیگر دعوا شود که احتمال دارد در خصوص اعتبار او اساسی باشد؛ اما در پرونده ویلر [۱۹۱۷]^۳ مقرر شد که گواهی در صورتی اساسی است که بتواند بر مجازات احتمالی در رسیدگی کیفری^۴ تأثیر بگذارد، حتی اگر در خصوص موضوع مسئولیت بی‌اهمیت^۵ باشد. نمونه‌ای نادر از دروغ‌هایی هم که بی‌اهمیت بر شمرده شده‌اند، پرونده سوئیت-اسکات (۱۹۱۷)^۶ است. جایی که متهم در رسیدگی انتقالی،^۷ هرگونه محکومیت‌های سابق را انکار کرده بود. وی برخی محکومیت‌های پیشین را دارا بود، اما این محکومیت‌ها به بیشتر از بیست سال پیش بازمی‌گشت؛ بنابراین مقرر شد که محکومیت‌های یادشده نمی‌توانسته‌اند هیچ‌گونه تفاوتی در نتیجه‌ی رسیدگی داشته باشند. در حال، بند (۶) ماده ۱ قانون شهادت کذب ۱۹۱۱ م اعلام می‌دارد این مسئله که آیا اظهاری که بر مبنای آن شهادت کذب نسبت داده می‌شود، اساسی است یا خیر، مسئله‌ای قانونی^۸ است؛ یعنی قاضی دادگاه باید درباره آن تصمیم‌گیری کند، نه هیئت منصفه.

۶. عنصر روانی شهادت کذب^۹

در حقوق کیفری ایران، اگرچه در ماده ۶۵۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ از واژه‌هایی نظیر عامداً، عالماً و امثال آن استفاده نشده است، با توجه به اصل عمدی بودن جرائم، باید گفت که شهادت کذب از جرائم عمدی به شمار می‌آید. بر این اساس، مطابق با ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که در تحقق جرائم عمدی، افزون بر علم مرتکب به موضوع جرم، قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه

1. A conduct crime.

2. Millward [1985] QB 519.

3. Wheeler [1917] 1 KB 283.

4. The likely penalty in criminal proceedings.

5. Immaterial.

6. Sweet-Escott (1971) 55 Cr App R 316.

۷. این نوع از رسیدگی که با اصطلاح Committal proceedings از آن یاد می‌شود، به رسیدگی‌هایی اشاره دارد که در آن‌ها مشخص می‌شود که آیا ادله کافی برای محاکمه متهم از سوی هیئت منصفه در دادگاه جنایی وجود دارد یا خیر؟ (نسرین مهرا، دایرةالمعارف عدالت کیفری انگلستان (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۸)، ۱۸۶-۱۸۹).

8. A question of law.

9. Mens rea of the perjury.

را ضروری می‌داند، در جرم شهادت کذب، مرتکب لازم است با علم به اینکه مشهود^۱ به کذب است، در ادای گواهی دروغین عمد داشته باشد. بنابراین، هرگاه شاهد با مشاهده ارتکاب ضرب و جرح شدید از سوی دیگری، به این علم برسد که عمل ارتكابی او قتل بوده و به مرگ بزه‌دیده منجر شده است؛ درحالی‌که بزه‌دیده در آخرین لحظه با دخالت مأموران امداد و پزشک از مرگ نجات یافته باشد، یا قصد شاهد در ادای گواهی دروغین به دلایلی، مانند جنون ادواری در همان زمان ادای شهادت مختل شده باشد، حسب مورد به دلیل نداشتن علم یا عمد فاقد سوء نیت عام شناخته می‌شود. در واقع، سوء نیت عام در شهادت کذب، قصد ادای گواهی دروغین است و شاهد باید با علم به کذب بودن اظهاراتش، به‌طور عمدی در دادگاه و نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد.

از سوی دیگر، قسمت دوم ماده ۱۴۴ قانون بالا اِشعار می‌دارد در جرائمی که وقوع آن‌ها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود. براین اساس، اگرچه تقسیم‌بندی جرائم به مطلق یا مقید بر مبنای عنصر مادی آن‌ها استوار می‌شود، درحالی‌که لزوم سوء نیت خاص یا عدم لزوم آن مرتبط با عنصر روانی جرائم است و در واقع، ارتباط درستی بین این دو مقوله وجود ندارد و جرائم مطلق مستلزم سوء نیت خاص نیز یافت می‌شوند؛ مانند جرم نشر اکاذیب طبق ماده ۶۹۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، به نظر می‌رسد که قانون‌گذار ایرانی در قسمت دوم ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پذیرفته است که در جرائم مطلق، اصولاً لزومی به احراز قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیست. نتیجه این می‌شود که در جرم شهادت کذب، به‌عنوان جرمی مطلق، لزومی به اثبات سوء نیت خاص وجود ندارد و مرتکب با هر هدفی به ادای گواهی کذب از روی علم و عمد مبادرت کند، تفاوتی ندارد. کوتاه‌سخن اینکه اثبات عنصر روانی شهادت کذب تنها مستلزم احراز سوء نیت عام به شرح پیش‌گفته است.

در حقوق کیفری انگلستان و ویلز، بند (۱) ماده ۱ قانون شهادت کذب ۱۹۱۱ م تأکید می‌کند که شاهد یا مترجم لازم است عمداً اظهاری کند که می‌داند کذب است یا اعتقاد ندارد که حقیقت داشته باشد؛ اگرچه در آغاز امر به نظر می‌رسد که تعمدی بودن در شهادت کذب ضرورتی ندارد؛ چراکه این جرم ممکن است از سوی شخصی ارتکاب یابد که فقط اعتقاد ندارد که شهادت‌ش حقیقت دارد، اما به‌موجب پرونده سینیور [۱۸۹۹]^۱، رفتار ارتكابی در این جرم تنها در صورتی تعمدی^۲ است که دانسته^۳ یا با قصد^۴ باشد. بنابراین، باید ثابت شود که شهادت کذب، ادعایی

1. Senior [1899] 1 QB 283.

2. Willful.

3. Deliberate.

4. Intentional.

در نتیجه برداشت غلط^۱ یا لغزش زبانی^۲، که از آن طریق، متهم چه بسا مطلبی را بیان داشته که در نظر نداشته است، نبوده باشد. افزون بر این، آن چنان که پرونده میلوارد [۱۹۸۵] اشاره دارد؛ هر چند متهم باید از کذب بودن اظهاراتش آگاهی داشته یا اعتقاد به حقیقت داشتن آن‌ها نداشته باشد، وی لازم نیست بدانند یا اعتقاد داشته باشد که اظهارش اساسی است.

۷. مجازات شهادت کذب

در حقوق ایران، به موجب ماده ۶۵۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، شهادت کذب، افزون بر مجازات تعزیری، حسب مورد ممکن است مستوجب حد، قصاص یا دیه باشد. فقهای امامیه نیز برحسب پیامدهای متفاوت ادای شهادت کذب، شاهد دروغ‌گو را مستحق کیفر متفاوتی دانسته‌اند. در این خصوص، گفته شده است که:

اگر دروغ بودن شهادت به دلیل قطعی، مانند علم قاضی به آن ثابت شود، حکم صادر شده نقض می‌شود؛ زیرا فساد آن مشخص شده است و چنانچه محکوم به مال باشد، آن مال بازگردانده می‌شود و در صورتی که بازگشت مال امکان نداشته باشد، شاهدان ضامن هستند. همچنین، باید از عهده خسارت هر چیزی که به سبب شهادت دروغ آن‌ها از بین رفته است، برآیند، و خواه دروغ بودن شهادت در زمان انشای رأی ثابت شود یا بعد از آن، چیزی از بین رفته باشد یا خیر، شاهدان تعزیر شده، در سطح شهر و قلمرو آن معرفی می‌شوند تا از قبول شهادت آن‌ها خودداری شود و دیگران هم عبرت بگیرند.^۳

از این گذشته، با وجود اینکه قانون‌گذار ایرانی در ماده ۶۵۰ قانون یادشده، هم جزای نقدی و هم حبس را پیش‌بینی کرده است، با توجه به استفاده از حرف عطف «و یا» در میان مجازات‌های یادشده، دادرس از این صلاحدید برخوردار است که تنها به جزای نقدی حکم بدهد. با این حال، مطابق با تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در درجه‌بندی مجازات شهادت کذب باید بر میزان حبس تکیه کرد و در این صورت، کیفر جرم مورد بحث با لحاظ تبصره ۲ ماده اخیر «تعزیر درجه‌ی شش» برشمرده می‌شود. بر این اساس، جرم شهادت کذب از مشمول برخی معافیت‌ها خارج می‌شود؛ برای نمونه دادگاه نمی‌تواند در خصوص این جرم حکم به معافیت از کیفر مطابق با ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ صادر کند.

1. Misunderstanding.
2. A slip of the tongue.

۳. لطفی، مباحث حقوقی شرح لمعه، ۴۴.

درهرحال، با در نظر گرفتن اینکه از یک سو، ماده ۲۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ حکایت از لزوم اتیان سوگند از سوی شاهد پیش از اظهار اطلاعات خود دارد، و از سوی دیگر، طبق ماده ۶۴۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، سوگند دروغ جرم‌انگاری شده است، این پرسش مطرح می‌شود که هرگاه شاهد مبادرت به ادای شهادت کذب کند؛ درحالی که پیش از آن سوگند دروغ نیز یاد کرده است، موضوع مشمول قواعد تعدد (اعم از مادی یا معنوی) است یا خیر؟ در پاسخ باید گفت که هرچند «سوگند دروغ» و «ادای شهادت کذب» دو رفتار جداگانه هستند که عنوان مجرمانه مستقلی هم دارند، اما سوگند دروغ در این فرض لازمه ادای شهادت کذب برشمرده می‌شود و در نتیجه، سوگند دروغ مقدمه شهادت کذب است و تنها جرم اخیر ارتکاب یافته است. البته، بعضی از حقوقدانان معتقدند که «اگر ماهیت جرم مقدمه‌ای به نحوی باشد که امکان تعلق قصد مستقل به آن وجود دارد، جرائم موردنظر متعدد برشمرده می‌شوند؛ گرچه جرم نخست مقدمه جرم دوم باشد».^۱ در این صورت، موضوع مشمول قواعد تعدد مادی است و به دلیل اینکه دو جرم مختلف وجود دارد، تعیین مجازات بر اساس بند (ب) ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۹)^۲ انجام می‌گیرد.

باید یادآور شد که قانون‌گذار ایرانی، افزون بر مجازات تعزیری به شرح بالا، ضمانت اجرای شهادت کذب در جرائم مستوجب حد، قصاص و یا دیه را به طور خاص پیش‌بینی کرده است؛ برای نمونه به موجب ماده ۲۰۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در خصوص شهادت بر زنا یا لواط، شاهد باید حضوری، عملی که زنا یا لواط با آن محقق می‌شود را دیده باشد و هرگاه شهادت مستند به مشاهده نباشد، شهادت در خصوص زنا یا لواط قذف برشمرده می‌شود و موجب حد است. افزون بر این، طبق ماده ۱۶۳ همان قانون، اگر پس از اجرای حکم، دلیل اثبات‌کننده جرم باطل شود، مانند آنکه در دادگاه مشخص شود که مجرم شخصی دیگر بوده یا اینکه جرم رخ نداده است و متهم به دلیل اجرای حکم، دچار آسیب بدنی، جانی یا خسارت مالی شده باشد، کسانی که ایراد آسیب یا خسارت یادشده مستند به آنان است، اعم از اداکننده سوگند، شاکی یا شاهد، حسب مورد به قصاص یا پرداخت دیه یا تعزیر مقرر در قانون و جبران خسارت مالی محکوم می‌شوند. قانون‌گذار در ماده اخیر به صورت عام حکم شهادت کذب را به جرائم مستوجب قصاص، دیه و یا تعزیر تعمیم داده و منظور از عبارت «تعزیر مقرر در قانون» در این ماده همان مجازات تعزیری مقرر در ماده ۶۵۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ است.

۱. علی‌مراد حیدری، حقوق جزای عمومی: بررسی فقهی - حقوقی واکش علیه جرم (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۴)، ۲۷۰.

۲. ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹.

در خصوص مجازات حدی برای شهادت کذب همچنین باید افزود که مطابق با ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نصاب شهادت برای اثبات زنا و لواط اصولاً چهار شاهد است؛ همچنان که قسمت اخیر ماده ۲۰۰ همان قانون اشعار می‌دارد که هرگاه شاهدان به عدد لازم نرسند، شهادت در خصوص زنا یا لواط قذف برشمرده می‌شود و موجب حد است. شیخ طوسی هم در کتاب الخلاف اظهار داشته است که «هرگاه چهار نفر شهادت بدهند و مشهود علیّه سنگسار شود، سپس یکی از شاهدان یا چهار نفر آن‌ها از شهادتشان برگردند و رجوع‌کننده بیان کند که در کشتن او عمد داشته است، حد و قصاص بر او ثابت می‌شود».^۱ در این باره، از آنجاکه شاهدان به زنا یا محصنه شهادت داده‌اند، ولی تعداد آن‌ها به حد نصاب لازم نرسیده است، مستحق حد قذف و قصاص نفس دانسته شده‌اند. قذف در واقع، انتساب دروغین جرم زنا یا لواط به دیگری است که در چنین مواردی به وسیله شاهدانی صورت می‌گیرد که به عدد لازم نرسیده‌اند.

درباره قصاص شاهد دروغ‌گو نخست باید یادآور شد که فقهای امامیه در بحث از مصادیق قتل عمد به شهادت کذبی اشاره کرده‌اند که به قصاص مشهود علیّه منجر شود؛ برای مثال «هرگاه شاهدان به دروغ علیه شخصی نسبت به عملی گواهی دهند که موجب قصاص است و در نتیجه، مشهود علیّه قصاص شود، در این صورت، از آنجاکه مباشر (مجری حکم) ضعیف است؛ چراکه کشتن مشهود علیّه برای او مباح است، سبب (شاهدان کذب) بر مباشر رجحان پیدا می‌کند».^۲ این به معنای آن است که شاهدان دروغ‌گو که زمینه اجرای ناحق قصاص نفس را فراهم آورده‌اند، مستحق قصاص نفس خواهند بود. جلوه این امر در ماده ۱۶۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که پیش‌تر به آن اشاره شد نیز انعکاس یافته است.

در اینجا، باید افزود که واژه «قصاص» در ماده یادشده، افزون بر قصاص نفس شاهد دروغ‌گو، شامل قصاص عضو او نیز می‌شود. اطلاق واژه مورد بحث و استفاده از عبارت «آسیب بدنی، جانی» در قسمت میانی ماده اخیر مؤید این دیدگاه است. البته، واژه یادشده شامل «قطع عضو از باب حد» نیز می‌شود؛ برای نمونه شاهدانی که به دروغ علیه دیگری به ارتکاب سرقت حدی در مرتبه اول شهادت بدهند و بر مشهود علیّه حد قطع چهار انگشت دست راست مطابق با بند (الف) ماده ۲۷۸ قانون یادشده جاری شود، چهار انگشت دست راست آن‌ها با پرداخت مابه‌التفاوت دیه قطع خواهد شد. در چنین موردی که برخی فقهای امامیه حتی ادعای اجماع کرده‌اند،^۳ شهادت کذب

۱. ابی جعفر محمد بن الحسن الشیخ الطوسی، کتاب الخلاف (قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۹ ق)، ۳۲۳.

۲. لطفی، مباحث حقوقی شرح لمعه، ۷۲۲.

۳. الشیخ الطوسی، کتاب الخلاف، ۳۹۳-۳۹۴.

شهادت کذب در نظام‌های کیفری ایران، انگلستان و ویز / اعتمادی و زالی پور مداب ۲۸۷

شاهدان که موجب قطع ناحق دست دیگری شده است، در واقع، نوعی تسبیب در جنایت تلقی می‌شود که طبق ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ممکن است تنها سبب مصدومیت دیگری شود.^۱

سرانجام، در ارتباط با دیه در جرم شهادت کذب، نخست باید یادآور شد که اگرچه نصاب شهادت در کلیه جرائم دو شاهد مرد است، ولی قسمت اخیر ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «... جنایات موجب دیه با شهادت یک شاهد مرد و دو شاهد زن نیز قابل اثبات است». براین اساس، روشن می‌شود که شهادت کذب ممکن است به اثبات ناحق جرائم مستوجب دیه نیز منجر شود. باین حال، باید پذیرفت که دیه در تبصره ماده ۶۵۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ نه به عنوان مجازات اصلی، بلکه به منزله بدل از قصاص مدنظر بوده است؛ زیرا کسی نمی‌تواند با ادای «عمدی» شهادت کذب دیگری را دستخوش اجرای مجازات قرار دهد و در نهایت محکوم به دیه شود. پس دیه در این تبصره شامل مواردی می‌شود که به دلایلی، مانند رابطه پدری بین شاهد دروغ‌گو و مشهود علیّه، عدم تساوی در دین و یا گذشت اولیای دم، اجرای قصاص ممکن نباشد. در چنین مواردی، مرتکب افزون بر دیه به تعزیر مقرر در ماده ۶۵۰ قانون یادشده محکوم خواهد شد.

در حقوق انگلستان و ویز، شهادت کذب در رسیدگی قضایی تنها برحسب کیفرخواست محاکمه‌شدنی است و ماده ۱۲ قانون شهادت کذب ۱۹۱۱ م به محتویات لازم در برگ کیفرخواست پرداخته است. جرائم صرفاً قابل کیفرخواست،^۲ جرائمی هستند که «تنها در دادگاه جنایی^۳ رسیدگی می‌شوند؛ جایی که تقصیر یا بی‌تقصیری از سوی هیئت منصفه تعیین می‌شود و قاضی دادگاه دارای بیشترین اختیارات تعیین مجازات است تا شدت جرم را منعکس سازد».^۴ براین اساس، باید اضافه کرد که مطابق با قسمت اخیر ماده بند (۱) ماده ۱ قانون شهادت کذب ۱۹۱۱ م، مجازات شهادت کذب بسته به صلاحدید دادگاه ممکن است حبس برای مدتی که متجاوز از هفت سال نیست، یا جزای نقدی و یا هردوی حبس و جزای نقدی در نظر گرفته شود.

در خصوص تعیین مجازات برای شهادت کذب، آرای زیادی از دادگاه تجدیدنظر انگلستان و ویز درخور ذکر است که همگی آن‌ها حکایت از آن دارند که مجازات سالب آزادی^۵ تقریباً همیشه ضروری است. در این راستا، قاضی راسکیل^۶ در پرونده دیویس (۱۹۷۴)^۷ ضمن تأکید بر اینکه

۱. ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.

2. Indictable only offences.

3. Crown Court.

۴. کلودیا کار و مورین جانسن، سرآغازی بر حقوق کیفری انگلستان و ویز، ترجمه امیر اعتمادی (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۶)، ۳۹.

5. Custodial sentence.

6. Roskill LJ.

7. Davies (1974) 59 Cr App R 311.

متأسفانه شهادت کذب در دادگاه بسیار زیاد ارتکاب می‌یابد، اظهار داشت که اگرچه اثبات این جرم همواره آسان نیست و کسانی که گواهی دروغ می‌دهند،^۱ به راحتی به پای میز محاکمه کشانده نمی‌شوند، اما هنگامی که به دست عدالت سپرده می‌شوند، باید کیفر داده شوند.^۲ افزون بر این، به نظر می‌رسد که هرگاه اتهام اصلی که شهادت کذب در ارتباط با آن ارتکاب یافته است، جرم بسیار شدیدی^۳ باشد، کیفر شهادت کذب نیز باید به همان میزان بالاتر تعیین شود. به این ترتیب، در پرونده کانینگهم [۲۰۰۷]^۴ مجازات چهار سال حبس برای شهادت دروغ تأیید شد؛ جایی که مجرم مردی بود که محکومیت پیشین^۵ به دلیل جرمی علیه عدالت^۶ داشت و مرتکب شهادت کذب در رسیدگی به جرم شدیدی شده بود. به طور مشابه، در پرونده آرچر [۲۰۰۳]^۷ محکومیت به چهار سال حبس در خصوص مجرمی که به علت دو فقره شهادت دروغ و دو فقره تحریف جریان عدالت،^۸ از حیث رسیدگی مدنی به دلیل افترا بی که به روزنامه‌ای وارد کرده بود، محکوم شد، از سوی دادگاه تجدیدنظر مورد تأیید قرار گرفت. دیگر عواملی که در تعیین مجازات بیشتر مطرح بودند، عبارت‌اند از: تعداد جرائم ارتكابی، مقیاس زمانی که جرائم در طول آن رخ داده بودند، اینکه آیا دروغ‌ها برنامه‌ریزی شده و مورد پافشاری بوده‌اند، متهم پای دیگران را به میان کشیده است و شهادت کذب بر نتیجه‌ی رسیدگی اصلی تأثیر گذاشته است یا خیر.

با وجود این، دادگاه تجدیدنظر در پرونده ویت‌کیند [۲۰۱۰]^۹ بیان داشته است که مجازات سه سال حبس برای گواهی دروغی که در جریان تجدیدنظرخواهی از یک مسئله انضباطی مربوط به ارتش ادا شده بسیار زیاد بوده است؛ چراکه هیچ جرم اصلی شدیدی در کار نبوده و مجرم در نتیجه مجازات سالب آزادی از ارتش اخراج می‌شده است. از این رو، مجازات به دو سال کاهش یافت. بنابراین، روشن می‌شود که دادگاه نخستین رسیدگی‌کننده همواره لازم است به رهنمون‌های تعیین مجازات^{۱۰} توجه داشته باشد تا بتواند مجازات متناسبی صادر کند که به وسیله دادگاه تجدیدنظر تأیید شود.

1. Perjurers.

2. Hooper and Ormerod (Eds), *Blackstone's Criminal Practice 2013*, 827.

3. Very serious crime.

4. *Cunningham* [2007] 2 Cr App R (S) 376.

5. Previous conviction.

6. An offence against justice.

7. *Archer* [2003] 1 Cr App R (S) 446.

8. Perverting the course of justice.

9. *Wittekind* [2010] EWCA Crim 646.

10. Sentencing Guidelines.

۸. وجوه افتراق و اشتراک نظام‌های کیفری

مهم‌ترین وجوه افتراق و اشتراک نظام‌های کیفری ایران، انگلستان و وِیلز در بحث از جرم شهادت کذب در جدول ذیل به اختصار آمده است:

شهادت کذب در نظام‌های کیفری ایران، انگلستان و وِیلز
الف. عنصر قانونی
قانون‌گذار ایرانی شهادت کذب را به‌عنوان جرمی اصولاً مستوجب تعزیر در ماده ۶۵۰ کتاب پنجم «تعزیرات» قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵، مقرر کرده است؛ درحالی‌که قانون‌گذار انگلیسی و وِیلزی جرم یادشده را در ماده ۱ قانون مستقلی ذیل عنوان قانون شهادت کذب ۱۹۱۱ م پیش‌بینی کرده است.
ب. عنصر مادی
۱. در ایران، رفتار مجرمانه شهادت کذب «ادای گواهی دروغین» است؛ درحالی‌که در انگلستان و وِیلز، رفتار مجرمانه جرم یادشده ممکن است «اظهار کذب» و یا حتی «اظهار راستین» باشد، و در مورد اخیر، لازم است مرتکب اعتقاد نداشته باشد که اظهار موردنظر حقیقت دارد.
۲. در حقوق ایران، شرایط لازم برای تحقق جرم شهادت کذب عبارت‌اند از اینکه گواهی دروغ «در دادگاه» و «نزد مقامات رسمی» واقع شود. در مقابل، در حقوق انگلستان و وِیلز، شرایط مربوط عبارت‌اند از: مرتکب باید به‌عنوان شاهد یا مترجم به‌طور قانونی سوگند داده شده باشد، و اظهارات متهم باید در جریان رسیدگی قضایی باشد.
۳. از لحاظ نتیجه، در حقوق کیفری ایران، شهادت کذب جرمی مطلق برشمرده می‌شود. در حقوق کیفری انگلستان و وِیلز نیز گرچه دادگاه‌های کیفری از اظهاری که در رسیدگی قضایی «اساسی» باشد، برداشت‌های مختلفی دارند، حداقل بر پایه بعضی از این برداشت‌ها می‌توان گفت که شهادت کذب جرمی مطلق است.
پ. عنصر روانی
در نظام کیفری ایران، عنصر روانی شهادت کذب تنها شامل سوءنیت عام، یعنی قصد ادای گواهی دروغین می‌شود؛ به‌عبارت‌دیگر شاهد باید با علم به کذب بودن اظهاراتش از روی عمد شهادت دروغ بدهد، اما در نظام کیفری انگلستان و وِیلز، شهادت کذب باید تعمدی، یعنی دانسته یا با قصد انجام گیرد و هرچند متهم باید از کذب بودن اظهاراتش آگاهی داشته یا به حقیقت داشتن آن‌ها اعتقاد نداشته باشد، وی لازم نیست بدانند یا اعتقاد داشته باشد که اظهارش اساسی است.
ت. مجازات
در ایران، جرم شهادت کذب، افزون بر مجازات تعزیری، حسب مورد ممکن است مستوجب حد، قصاص یا دیه باشد. در مقابل، در انگلستان و وِیلز، مجازات شهادت کذب بسته به صلاحدید دادگاه ممکن است حبس برای مدتی که متجاوز از هفت سال نباشد یا جزای نقدی و یا هردوی حبس و جزای نقدی در نظر گرفته شود.

۹. نتیجه‌گیری

گواهی شاهد در صورت کذب بودن، روند تحقیقات و دادرسی را از مسیر صحیح عدالت منحرف می‌سازد و افزون بر صدمه به اعتبار و جایگاه شهادت، می‌تواند آثاری از قبیل اطاله یا اعاده دادرسی را نیز در پی داشته باشد. در خصوص اعاده دادرسی که از طرق فوق‌العاده شکایت از احکام کیفری برشمرده می‌شود، بند (ث) ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ یکی از جهات آن را جایی می‌داند که ثابت شود شهادت خلاف واقع گواهان مبنای حکم بوده است. از این گذشته، قانون‌گذار ایرانی به موضوع شهادت کذب در برخی قوانین خاص نیز پرداخته است؛ امری که باعث افزایش عناوین مجرمانه در چهارچوب ادای شهادت دروغ و تورم پرونده‌ها در محاکم کیفری می‌شود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که:

- با توجه به ترویج دادرسی‌های الکترونیکی، مرکز فناوری اطلاعات قوه قضاییه، مشخصات کامل شاهدان را در سامانه مدیریت پرونده‌های قضایی درج کند؛ به طوری که موضوع شهادت، دفعات ادای شهادت و حوزه قضایی اخذ شهادت از سوی فردی معین برای همه محاکم و دادرها قابل دسترس باشد. در این صورت، سوءاستفاده از جایگاه و اعتبار شهادت که ممکن است پیش‌تر به وسیله شخص موردنظر انجام گرفته باشد، برای مقام قضایی روشن خواهد شد.

- قانون‌گذار ایرانی به منظور حفظ اعتبار شهادت راستین، شهادت کذب را هم نزد مقامات قضایی دادرها و هم دادگاه جرم‌انگاری کند و در مواردی هم که شاهد در ازای دریافت وجه یا مالی مبادرت به ادای گواهی کذب می‌کند، افزون بر ضبط وجه یا مال به نفع دولت، پرداخت جزای نقدی حداقل معادل وجه یا مال دریافتی را پیش‌بینی کند. در این صورت، هرگاه شاهد دروغ‌گو منفعت مالی کسب نکند، مرجع قضایی ایرانی همچنان می‌تواند به حبس یا جزای نقدی به میزان مقرر در ماده ۶۵۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ حکم بدهد.

- تأثیرگذاری شهادت کذب در رأی مرجع قضایی، به عنوان عامل مشدده به شمار آورده شود. به عبارت دیگر، بی‌آنکه لازم باشد شهادت کذب به جرمی مقید تبدیل شود، در مواردی که شهادت دروغ در صدور رأی مؤثر واقع می‌شود، مجازات تعزیری تشدید گردد. این در حالی است که هم‌اکنون تفاوتی بین حالتی که شهادت کذب در قرار/حکم مرجع قضایی تأثیر بگذارد یا خیر، وجود ندارد. قانون‌گذار انگلیسی و ویلزی هم با تأکید بر اظهاری که در رسیدگی قضایی اساسی است، به نوعی به چنین رویکردی نزدیک شده است. با این همه، مناسب بود با استفاده از واژگانی روشن‌تر، معنای موردنظر خود را آشکارا برساند و ضمانت‌اجرائی را هم در ارتباط با مواردی که اظهار کذب در رسیدگی قضایی اساسی نیست، پیش‌بینی کند تا جایگاه و اعتبار گواهی شاهد بیشتر حفظ شود.

کتاب‌نامه

الف. کتب و مقالات

الف-۱. فارسی

قرآن کریم.

- آشوری، محمد. آیین دادرسی کیفری. جلد دوم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۸.
- الشیخ الطوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن. کتاب الخلاف. قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۹ ق.
- بروجردی، محمد عبده. کلیات حقوق اسلامی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- پژوهشگاه قوه قضاییه. مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عالی کشور (کیفری). دی ۱۳۹۱. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۳.
- پژوهشگاه قوه قضاییه. مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عالی کشور (کیفری). بهمن ۱۳۹۱. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۳.
- پژوهشگاه قوه قضاییه. مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عالی کشور (کیفری). اسفند ۱۳۹۱. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۳.
- پژوهشگاه قوه قضاییه. مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری). تابستان ۱۳۹۳. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۶.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. دایرةالمعارف علوم قضایی. جلد دوم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۳.
- حاجی ده‌آبادی، احمد. ادله اثبات کیفری در اسلام: مبانی و موارد تفکیک از ادله اثبات مدنی. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، ۱۳۹۸.
- حیدری، علی‌مراد. حقوق جزای عمومی: بررسی فقهی - حقوقی واکنش علیه جرم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۴.
- زراعت، عباس. شرح قانون مجازات اسلامی: بخش تعزیرات - ۲. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۸.
- سینگ، چارانجیت. سرآغازی بر ادله در انگلستان و ویلز. ترجمه امیر اعتمادی. تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۷.
- شکری، رضا و سیروس قادر. قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی. تهران: نشر مهاجر، ۱۳۸۴.
- شهیدی، موسی. موازین قضایی محکمه‌ی عالی انتظامی از نظر تخلف اداری. تهران: چاپخانه علمی، ۱۳۴۰.
- عمید، حسن. فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات راه رشد، ۱۳۸۹.
- کاتوزیان، ناصر. اثبات و دلیل اثبات. جلد دوم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵.
- کار، کلودیا و مورین جانسن. سرآغازی بر حقوق کیفری انگلستان و ویلز. ترجمه امیر اعتمادی. تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۶.

کراس، نوتل. درآمدی بر حقوق کیفری و عدالت کیفری در انگلستان و ویزل. ترجمه امیر اعتمادی. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۸.

کریمی، عباس. ادله اثبات دعوا. تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۶.

لطفی، اسدالله. مباحث حقوقی شرح لمعه. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۹.

مهرا، نسرین. دایرةالمعارف عدالت کیفری انگلستان. تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۸.

میرمحمد صادقی، حسین. جرائم علیه اموال و مالکیت. تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۳.

نجفی، محمدحسن. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. جلد چهل و یکم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.

الف-۲. لاتین

The Holy Quran

Carr, Claudia and Johnson, Maureen. *Beginning Criminal Law*. Translated by Amir E'temadi, First Edition, Tehran: Mizan Legal Foundation, 2017.

Cross, Noel. *Criminal Law and Criminal Justice: An Introduction*. Translated by Amir E'temadi, Second Edition, Tehran: Majd Publications, 2019.

Doak, Jonathan and Claire McGourlay. *Evidence in Context*. London: Routledge, 2012.

Emson, Raymond. *Evidence*. London: Macmillan Press Ltd., 1999.

Hooper, Anthony and David Ormerod (Eds). *Blackstone's Criminal Practice 2013*. Oxford: Oxford University Press, 2012.

Kean, Adrian and Paul McKeown. *The Modern Law of Evidence*. Oxford: Oxford University Press, 2010.

Law, Jonathan. *A Dictionary of Law*. Oxford: Oxford University Press, 2015.

Taylor, Chris. *Law Express: Evidence*. Harlow: Pearson Education Limited, 2017.

B) Cases, statutes etc.

Archer [2003] 1 Cr App R (S) 446.

Clegg (1868) 19 LT 47.

Crime and Disorder Act 1998.

Criminal Justice Act 1948.

Criminal Justice Act 1967.

Criminal Justice Act 1988.

Coronavirus Act 2020.

Cunningham [2007] 2 Cr App R (S) 376.

Davies (1974) 59 Cr App R 311.

European Communities Act 1972.

Evidence Act 1851.

شهادت کذب در نظام‌های کیفری ایران، انگلستان و ویلز / اعتمادی و زالی‌پور مداب ۲۹۳

Evidence (Proceedings in Other Jurisdictions) Act 1975.

[Http://www.legislation.gov.uk/](http://www.legislation.gov.uk/).

Millward [1985] QB 519.

Perjury Act 1911.

R v O'Connor [1980] Crim LR 43 (CA).

Rider (1986) 83 Cr App R 207.

Senior [1899] 1 QB 283.

The Law Commission, Working Paper No. 33, *Perjury and Kindred Offences*, 14 October 1970.

Wheeler [1917] 1 KB 283.

Wittekind [2010] EWCA Crim 646.